

موسیقی ایران تا اواخر قرن هشتم هجری، با وجود نظری دانان بزرگ، موسیقیدانان دانشمند جامع الاطراف، شعرای موسیقی شناس و حکمرانان هنرپرور در اوج عزت و تعالی بود و میراث علمی آن زمان هنوز هم مورد احترام جهانیان است. از قرن نهم هجری به بعد، موسیقی بسیار محدود شد. موسیقیدانان نابغه کمتر ظهور کردند و میدان فراگیری این هنر در محاصره افراد بی اطلاع و زورمندان کوتاه فکر قرار گرفت و هنرمندان به ورطه ابتذال غلتیدند و مقامشان که سابقاً در حدود دانشمند و ادیب و ... بود، به حدود دوره گردان و متکدیان تنزل کرد. چراغ تحقیق درباره موسیقی نظری و بخش علمی موسیقی به کل خاموش شد و از عهد عبدالقادر مراغی تا اوایل دوره پهلوی که عصر ورود ایران به مرحله جذب تمدن غربی و بیگانگی با دنیای سنتی قدیم است، هیچ رساله مهمی درباره موسیقی نوشته نشد و هر چه که به صورت پراکنده و ناقص و کم محتوا نوشته شد، تقلید ضعیف از گذشتگان و حاشیه بر حاشیه نویسی بود. بسیاری سازهای موسیقی از بین رفتند، گنجینه‌هایی از نوا و نغمه و تکنیکهای نفیس اجرایی برای همیشه در تاریخ مدفون شدند و از سپاه عظیم هنرمندان قدیمی حتی نامی هم باقی نماند. موسیقی به کنج منازل و پستوها رانده شد و دامنه تأثیر و تحول آن محدود گشت.

در دوره صفویه، موسیقی مذهبی و فرهنگ صوتی مربوط به جامعه شیعه کشور از سوی هیات حاکمه تقویت شد. ریشه این توجه مذهبی در اصل به حکومت احمد معز الدوله از آل بویه برمی گردد که خود شیعه و از دوستانان حضرت حسین بن علی (ع) بود. در زمان شاه عباس صفوی، توجه به روضه خوانی، نوحه خوانی، آذان، مناجات و ... بالاخره تعزیه (که رکن اصلی موسیقی مذهبی ایران است) بسیار زیاد شد و شعرایی چون محتشم کاشانی یا سرودن مرثی مؤثر و زیبا به تأثیر این موسیقی کمک کردند. جوهره هنری موسیقی

«ساز»ی در موسیقی «آواز»ی ذوب شد و موسیقی آوازی ایران با آن روح مذهبی و تعهد روحانی، مرکز تجلی ذوق ایرانی و خاطره قدیمی مردم ستم‌دیده ایران شد. شخص شاه عباس صفوی نیز خود در مراسم مذهبی بخصوص سوگواری‌ها، شرکت مستقیم داشت و هنرمندان موسیقی مذهبی را تشویق کردند. بدین ترتیب، بقایای موسیقی ایران توانست از زیر بار طبقات متعدد محدودیت و فشارهای مختلف، خود را در قالب روضه و نوحه و تعزیه تثبیت کند و به بقای خود ادامه دهد. میراث موسیقی مذهبی ایران با تغییراتی ناچیز به دوره قاجار و عهد ناصری رسید و دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه دوباره به تعزیه و خوانان عنایت شد و این حرفه رونق یافت. همانطور که موسیقی «ساز»ی و موسیقی بزمی، نیز در اصفهان و اراک و تهران و تبریز رونق و رواج پیدا کرده بود و در سایه مجاهدتهای هنرمندان والایی چون خاندان فراهانی و خاندان سماع حضور، تبدیل موسیقی ایران از نظام مقامی به نظام دستگاهی، در مرحله انجام بود. انواع فرم‌های موسیقی‌های دیگر (آنها که رسماً موسیقی مذهبی نبودند) نظیر موسیقی زورخانه، موسیقی سپاه (قبل از تبدیل سپاه به ارتش نوین و استخدام موسیقیدانهای فرانسوی). موسیقی درویش، موسیقی بزم و شادی نیز کم و بیش حضور داشتند ولی فاقد حیات و نیرو و شکوفایی سده‌های قبل بودند و در کل، موسیقی در حاشیه زندگی مردم قرار داشت و تحقیر می‌شد. همچنانکه موسیقیدانهای خوب و زبده نیز حال و روزگار خوشی نداشتند ... مطربهای «روز» در سطوح مختلف بودند که کار خود را می‌کردند و تنی چند هم معدود موسیقیدانهای صاحب‌نام و آبرو و تبحر عملی وجود داشتند که در انزوا می‌زیستند. در سایه این بی‌توجهی، شجره تنها در موسیقی ایران روزه به روزه و ضعف و سستی رفت تا جایی که عملاً نسبت به گذشته، مطلب خیلی مهمی از موسیقی باقی نماند و

# موسیقی

موسیقی ردیف و دستگاهی

موسیقی در ایران

و

# موسیقیدانان معاصر ایران

همان هم در طی جریان ورود غرب و غرب زدگان به ایران دستخوش اضمحلال و فنا شد.

نفر آخر بعد از فوت لومر و چند سال تعلیق فعالیت‌های شعبه موزیک، آن را دوباره دایر کرد و با مدیریت دقیق و کار فراوان و معلومات در خور و تألیف کتابهای متعدد، آن را رونق بخشید. فارغ التحصیلان این مدرسه در موسیقی غربی (تا حدی که دروس مدرسه اجازه می‌داد) مهارت علمی و عملی خوبی داشتند و در محیط بیرون از مدرسه نیز به موسیقی سنتی ایرانی آشنا می‌شدند و بسیاری از آنها مثل هنگ آفرین در ردیف نوازی و اجرای سازها و الحان ایرانی استاد بودند. شعبه موزیک مدرسه دارالفنون از سال ۱۲۹۷ از مدرسه جدا شد و مدرسه موزیک نام گرفت. ریاست و معاونت آنرا سالار معزز فرزندش نصرالسلطان به عهده داشتند. آنها تا سال ۱۳۰۷ این مدرسه را اداره کردند و بهبود بسیاری از وضع موزیک ارتش ایران پدید آوردند تا جایی که هنوز هم سطح هنری آن زمان قابل توجه و مطالعه است. از سال ۱۳۰۷ به بعد، علینقی وزیری مسئولیت مدرسه را پذیرفت و تا سال ۱۳۱۳ که مورد غضب رضا شاه قرار گرفت و معزول شد، آن مدرسه را اداره می‌کرد. در این سال، مسئولیت کل امور موسیقی کشور به سرگرد غلامحسین مین باشیان فرزند دوم سالار معزز تحویل شد که ویولونیست برجسته و فارغ التحصیل از کنسرواتوار گوستاوه‌هالندر آلمان بود. او با

در سال ۱۲۴۸ شمسی (۱۸۶۹ میلادی) شعبه ای در مدرسه دارالفنون تهران برای تعلیم موسیقی نظامی به ریاست آلفرد ژان باتیست لومر فرانسوی تشکیل شد و نوعی از موسیقی ساده اروپایی به دربار قاجار و طبقه افاضل راه یافت. اولین کتاب تنویری موسیقی غربی به زبان فارسی در تاریخ ۱۲۶۱ (۱۸۸۲) در دارالفنون چاپ شد و این شعبه دارالفنون، چند دوره فارغ التحصیلی داشت و فارغ التحصیلان بسیاری که بعدها در تحول موسیقی نقش داشتند، موارد استفاده از موزیک نظامی متنوع بود و از روزهای عید و سلام رسمی تا تعزیه تکیه دولت (۱) تا عروسی ها (۱۱) نیز حضور داشتند و در هنگام اوج صنعت ضبط صفحه گرامافون، صفحاتی هم پر کردند که محتوی سرودهای رسمی کشور و قطعات مارش و غیره بود. چند قطعه از تنظیم های لومر از نواهای ایرانی برای پیانو نیز در پاریس به چاپ رسید. ارسلان خان ناصر هماپون، حسین خان هنگ آفرین، سلیمان خان یاور، ابراهیم آژنگ و غلامرضا خان سالار معزز از شاگردان مدرسه لومر بودند.



برنامه‌ای پیشرفته و مدیریت عالی، هنرستان موسیقی را به صورت یک کنسرواتوار استاندارد درآورد و با استخدام دوازده تن از بهترین موسیقیدانهای چک اسلواک در چند رشته، آن را به سطحی جهانی رسانید. برنامه موسیقی ایرانی را از هنرستان حذف کرد زیرا روش آموزش کنسرواتواری را مناسب برای تعلیم موسیقی ایرانی نمی‌دانست. در سال ۱۳۱۷ با تأسیس اداره موسیقی کشور مسئولیت کل موسیقی در ایران برعهده مین باشیان افتاد و نخستین مجله مستقل این هنر را با نام «موسیقی» به کمک نیما یوشیج، ضیاء هشترودی، صادق هدایت و مسعود فرزاد، تأسیس کرد. دوره هفت ساله ریاست مین باشیان، درخشانترین دوره اشاعه موسیقی بین‌المللی در ایران بوده و بسیاری از هنرمندان بعدی کشور نظیر مرتضی حنانه و فریدون ناصری از همین کنسرواتوار بیرون آمدند.

در سال ۱۳۲۰ با سقوط رضا شاه و عزل تمام کارگزاران پیشین از مناصب هنری، علی‌نقی وزیری به ریاست اداره موسیقی کشور منصوب شد. او که در سال ۱۳۰۴ از اروپا برگشته و نوازنده مشهور «تار» بود، اولین چهره نوجو و انقلابی تغییر موسیقی ایران بود که اساس آنرا مورد تجدیدنظر و انتقاد قرار داد. برایش «تثوری جدید» نوشت و در ساختمان ساز، شیوه نوازندگی و بیان مطلب و فرهنگ کلی آن تغییرات زیاد اعمال کرد. مدرسه عالی موسیقی و کلوب موزیکال و ارکستر ویژه تأسیس کرد، کنسرت و تئاتر به راه انداخت، کتابهای آموزشی و برای تار و ویولون نوشت، قطعات بسیار برای ارکستر و آواز و ساز تنظیم کرد و به تربیت شاگرد پرداخت و در صفحات گرامافون از آثار خود ضبط کرد. راه و مکتب وزیری با همه انتقاداتی که به او می‌شد، تدریجاً جا باز کرد و جریان مسلط در موسیقی ایران شد. به طوری که هنوز هم در جریان مسلط در موسیقی ایران است و در موسیقی سنتی هم تأثیر خود را گذاشته است. وزیری تا سال ۱۳۱۳ در موسیقی فعالیت‌های سخت و پیگیر داشت ولی از این سال که به طور ناگهانی معزول شد و بی‌اعتنا دید، موسیقی را رها کرد و به سمت استادی تاریخ هنر و زیباشناسی در دانشگاه تهران انتخاب شد و هفت سال در آنجا تلاش کرد. ورود او به عرصه موسیقی در سال ۱۳۲۰، آخرین حضور او در صحنه‌های رسمی این هنر بود. او مواد تدریس موسیقی ایران را دوباره در هنرستان وارد کرد و اساتید چک اسلواک را مرخص کرد و این کار شورش جمعی هنرجویان را برانگیخت و کشمکش آنها با گروه موسیقیدانهای طرفدار تلفیق بین موسیقی‌های غربی و ایرانی (مکتب وزیری - خالقی) حدود پنج سال طول کشید. در این مدت، رادیو تهران تأسیس شد. هنرمندان شایسته در آنجا نوازندگی کردند و ارکستر وزیری دوباره تشکیل شد. مجله موسیقی تحت مدیریت روح‌الله خالقی و محیط طباطبایی دوباره منتشر شد. خالقی انجمن موسیقی ملی و باشگاه

موسیقی را در سال ۱۳۲۳ تأسیس کرد و ارکستر انجمن را به راه انداخت و کنسرت‌های زیادی در تهران و سایر شهرستانهای ایران داد. وزیری در سال ۱۳۲۵ دوباره به دانشگاه برگشت و خالقی، در سال ۱۳۲۸ هنرستان موسیقی ملی را تأسیس شد و طی ده سال ریاست او بر آنجا، هنرمندان شایسته‌ای تربیت شدند که بعدها از بهترین هنرمندان کشور شدند. از سال ۱۳۴۴ سازمان جدید موسیقی رادیو تهران گشایش یافت و در برنامه‌های متنوع از جمله برنامه‌های «گلها» که با معاضدت داود پیرنیا اداره می‌شد، موسیقیدانان مکتب وزیری و خالقی در کنار موسیقیدانهای وابسته به گرایش سنتی، قرار گرفتند و آثار بسیاری از کارهای ارکستری و تکنوازی و تکخوانی و ... ضبط شد. استاد ابوالحسن صبا ارکستر بزرگ خود را در سال ۱۳۳۳ و خالقی اولین ارکستر سازهای ملی را در سال ۱۳۳۸ به راه انداخت.

هنرستانها تقویت شدند و مجلات «موسیقی» و «موزیک ایران» در سالهای سال به انتشار خود و درج مطالب مفید ادامه دادند. ارکستر سمفونیک، بعد از پرویز محمود و روبیک گریگوریان و مرتضی حنانه، رهبر ثابت خود یعنی حشمت سنجری را به دست آورد و دارای سازمان منظم و برنامه‌های خوش کیفیت گردید. از سالهای ۱۳۴۰، توجه تازه‌ای به میراث موسیقی سنتی شد. بخش قدیمی موسیقی از دوران درویش خان (که مؤسس تحول محدود در چهارچوب موسیقی سنتی بود) تا این زمان مورد توجه جدی قرار نگرفته بود. در سال ۱۳۴۱ نخستین کتاب کامل و مفصل ردیف موسیقی ایران به کوشش موسی معروفی منتشر شد. دو جلد سرگذشت موسیقی ایران نوشته خالقی در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ نشر یافته بود و اولین متون تاریخی موسیقی معاصر چاپ می‌شد. در سال ۱۳۴۴ به کوشش مهدی برکشلی استاه فیزیک و آکوستیک دانشگاه تهران و با یاری نورعلی برومند استاد تار و سه تار و ردیف شناس عالی مقام، نخستین دپارتمان موسیقی در دانشگاه تهران گشایش یافت و بسیاری از اولین فارغ‌التحصیلان آن نظیر محمدرضا لطفی، مجید کیانی و جلال ذوالقنون از موسیقیدانهای موفق بعدی به شمار آمدند. در سال ۱۳۴۷ مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایرانی به کوشش نورعلی برومند و معاونت داریوش صفوت تأسیس شد و خدمات زیادی به موسیقی سنتی انجام داد. ارکسترهای سنتی تأسیس شد، توجه به استادان قدیمی و ردیف نوازی و تکنیکهای قدیمی و فرهنگ اجرای فردی افزایش یافت و برنامه‌های بسیاری اجرا و ضبط شد. کتابهای موسیقی نیز افزونی یافت و هنرستانهای دیگری نیز گشایش یافت. با این همه، و باوجود کوششهای فراوانی که از سوی هنرمندان مختلف در راه حفظ میراث اصیل موسیقی ایران به عمل می‌آمد، به علت سیاستهای اواخر دوران محمدرضا شاه و ابتذال پروری و فسادانگیزی کارگزاران وقت، انواع مسموم و بی‌ارزش از ترکیبات شبه موسیقی پاپ و بازاری و مستهجن،

شیوع خیلی زیادی پیدا کرد و اساس فرهنگ موسیقی کشور را تحت الشعاع قرار داد و به ادامه حیات موسیقی جدی در ایران لطامات اساسی وارد آورد. تا این که شعله های انقلاب در سال ۱۳۵۷، این جریان مبتدل را برای سالهان، خشکاند و محدود کرد. در سالهای ۱۳۵۸-۱۳۵۷ موسیقی سنتی دوباره مورد عنایت واقع شد و مردم که با انقلاب اسلامی خود رجعت به ارزشهای گذشته داشتند، موسیقی با سازهای سنتی را تمثیلی بر این بازگشت آرمانی پنداشتند و استقبال چشمگیری از کنسرتها و نوازهای هنرمندان این گروه، بخصوص ارکستر سنتی «شیدا» و «عارف» و هنرمندان «چاووشی» بعمل آوردند.

از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۴، وضعیت موسیقی به خاطر تبعات ناشی از ابتدال پروری های حکومت سالهای قبل دستخوش مطالعه و بلامتکلیفی بود تا این که نخستین جشنواره های موسیقی فجر در تالار وحدت برگزار شد. اولین بولتن های موسیقی به چاپ رسید و از هنرمندان اصیل تجلیل شد. در سال ۱۳۶۷ اولین مجله موسیقی بعد از انقلاب اسلام با نام «آهنگ» به چاپ رسید. بخش موسیقی در دانشکده های هنرهای زیبا بازگشایی شد، هنرمندان به ساختن و نواختن و تعلیم و کنسرت و نوارسازی پرداختند و شمار تألیفات موسیقی بسیار بیش از گذشته شد. فنوای تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در مورد موسیقی، تکلیف امت مسلمان و متشرعین را در موارد مشکوک استفاده از موسیقی، روشن کرد و به رشد شاخه های اصیل این هنر فرصتی فراوان بخشید. در زمستان همین سال، در تالار وحدت از برجسته ترین هنرمندان موسیقی سنتی و مقامی تجلیل و تکریم شد و به آنها دکترای افتخاری اهدا گردید. سازمانهای اداری وابسته به موسیقی تأسیس شدند و موسیقی ایرانی در ابعاد سنتی و مقامی و نیز نوین و ارکسترال، از رادیو و تلویزیون و فیلم و صحنه تالارها و فرهنگسراها، رشد و رواج بی سابقه یافت. بخشهای تغییر و تحول موسیقی رونق گرفت و حوادث بسیاری اتفاق افتاد که جنبش نظری علمای اعلام در مراکز مذهبی ایران (قم، مشهد و ...) برای مطالعه جدی در وجوه فقهی و موارد حرمت و حلیت موسیقی در اسلام از آن جمله است. در حال حاضر، موسیقی ایران، باوجود محدودیتهای زیاد و خطر اشاعه نوع موسیقی مسموم مبتدل و موسوم به «لوس آنجلسی» در جامعه، عنصری پویا و زنده در حیات اجتماعی مردم ایران است و در مرحله تحول عظیم که انتظار دوستداران و تلاش موسیقیدانان، آن را بشارت می دهد.

از مراکز فرهنگی رسمی موسیقی، گذشته از فرهنگسراها، اکنون هنرستانهای موسیقی (دختران و پسران) وابسته به مرکز سرود، مرکز سرود و آهنگهای انقلابی، انجمن موسیقی ایران، واحد موسیقی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، بخش موسیقی دانشگاه تهران،

دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه هنر و مؤسسه آموزش عالی سوره (وابسته به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)، بخش موسیقی سازمان میراث فرهنگی و مرکز موسیقی درمانی کشور فعال هستند.

### موسیقیدانان معاصر ایران

#### ۱- آقا میرزا عبدالله فراهانی (۱۲۹۶-۱۲۳۳ ه.ش)

فرزند آقا علی اکبر فراهانی و استاد مسلم تار و سه تار، موسیقی را نزد همویش آقا غلامحسین آموخت. او واضع نظام موسیقی دستگاهی موسوم به ردیف هفت دستگاه در ایران معاصر است و ردیف او در واقع مرجع رسمی موسیقی دستگاهی محسوب می شود و تدریس می گردد. شاگردان بسیاری از قبیل منتظم الحکماء و حاج آقا ایرانی مجرد و درویش خان داشته است و صفحاتی از تار نوازی او باقی مانده است.

#### ۲- آقا حسینقلی (۱۲۹۲-۱۲۳۳ ه.ش)

فرزند آقا علی اکبر فراهانی و استاد مسلم تار در موسیقی ردیف شناخته شده است. موسیقی را همراه برادرش میرزا عبدالله نزد همویش آقا غلامحسین آموخت و خود ساها کلاس تعلیم تار را داشت و نوازنده مخصوص رجال و اعیان بود. میرزا حسینقلی را همانند برادرش به اصالت شخصیت و هنر والا و ایثار در تعلیم ستایش کرده اند. از میرزا حسینقلی صفحات گرامافون محتوی تار نوازی او باقی مانده و از شاگردانش، درویش خان، فخام الدوله بهزادی و فرزند خود علی اکبر شهنازی را می توان نام برد. ردیف مخصوص او را علی اکبر خان شهنازی نواخته و ضبط شده است.

#### ۳- سماع حضور (حدود ۱۳۰۰-۱۲۳۰ ه.ش)

نوازنده عالی مقام سنتور و شاگرد محمد صادق خان سرورالملک ملقب به رئیس بود. سماع حضور تنبک نوازی و تصنیف خوانی را نیز مثل سنتور نوازی به حد اعلا می دانست و داستانها از مهارت او نقل شده است. او مردی درویش مسلک و باایمان و متدین بود که به قول مشهور قبل از نواختن سنتور وضو می ساخت و با نوای سازش به راز و نیاز با خداوند مشغول می شد و موسیقی را وسیله تزکیه نفس می دانست. شاگرد و ادامه دهنده راه هنری او فرزندش حبیب سماعی بود. از سماع حضور آثاری چند در فنوگرافهای خصوصی باقی است.

۴- نایب اسدالله اصفهانی (حدود ۱۳۰۰-۱۲۲۰)

استاد مسلم نی و صاحب سبک خاص در نی نوازی مکتب اصفهان. نبوغ او در موسیقی بارز بود و او را کسی دانسته‌اند که موسیقی و «نی» را از لحاظ احترام اجتماعی به اعلاء درجه رسانید. نایب اسدالله را با میرزا حسینقلی و سماع حضور و امثال او در یک ردیف دانسته‌اند. از او صفحات گرامافون حاوی تکنوازی و همناوای باقی مانده است.

۵- حاج آقا محمد ایرانی مجرد (۱۳۵۱-۱۲۵۰)

شاگرد میرزا عبدالله و سایر اساتید کهن بود. سه تار می نواخت ولی در نوازندگی تخصص نداشت و درخشش او در زمینه های فرهنگ شفاهی موسیقی بود. حاج آقا محمد تنها مرجع معتبر و منبع موثق موسیقیدانها درباره نواهای قدیم و طرز اجرای درست آنها و ساخت سازهای قدیمی بود. ردیف او مضبوط است.

۹- علی اکبر شیدا (۱۲۸۵-۱۲۲۵ حدود)

اولین تصنیف ساز ممتاز شناخته شده در عهد ناصری است که شرح احوال خاصی از او در دست نیست. شیدا سالهای سال از ارادتمندان حلقه درویش و مقیم خانقاه صفی علیشاه بود. چندین تصنیف از او به یادگار مانده که نمونه های شیدا و پر احساسی از تلفیق زیبای شعر و موسیقی هستند و بارها و بارها توسط افراد مختلف خوانده شده‌اند.

۶- عبدالله دوامی (۱۳۵۹-۱۲۷۰)

استاد مسلم تصنیف و آواز و ردیف آوازی، موسیقی را نزد علیخان نایب السلطنه فرا گرفت و از خرمن هنر اساتید دوره قاجار خوشه چینی ها کرد. دوامی در سفر فرنگ همراه درویش خان و اقبال السلطان و باقر خان و طاهرزاده صفحاتی از آواز تنبک و تصنیف خود پر کرد و سالهای سال به تدریس موسیقی قدیم ایرانی پرداخت. ردیف او ضبط شد، و آثاری از دوران جوانی و پیری او باقی است. حافظه او کم نظیر و سلیقه هنری او عالی و ممتاز بود. از شاگردانش، مجید کیانی و نصرالله ناصح پور و محمد رضا شجریان قابل ذکر هستند.

۱۰- درویش خان (۱۳۰۵-۱۲۵۱)

با نام اصلی غلامحسین درویش، متولد طالقان و از بزرگترین اساتید موسیقی سنتی معاصر است. در شعبه موزیک دارالفنون با موسیقی غربی آشنا شد و نزد استاد بزرگ میرزا احسنقلی، تار آموخت و سه تار را نیز د استاد میرزا عبدالله فرا گرفت. درویش از ماهرترین نوازندگان دوره خود بود که استعدادی بی نظیر در نوپردازی داشت و او را مبتکر پیش درآمد و رنگ امروزی می دانند، سعید هرمزی و دیگران، پرچمداران اشاعه موسیقی ایرانی در دهه های بعد شدند. درویش خان نخستین موسیقیدان معاصر است که تغییرات منطقی و قابل درک را در چهارچوب موسیقی سنتی برای تحویل بخشیدن به آن انجام داده است.

۷- ابوالحسن خان اقبال آذر (۱۳۵۰-۱۲۴۲)

متولد قزوین و ملقب به اقبال السلطان، آواز را از تمزیه خوانان فرا گرفت و تا سالهای سال خواننده ممتاز تمزیه بود. در عهد محمد علیشاه به تهران آمد و به موسیقی مجلسی و ردیف نیز تمایل یافت و همراه درویش خان و سایر هنرمندان در تقلیس صفحات گرامافون از صدای خود پر کرد. اقبال صاحب شخصیت نجیب و احترام اجتماعی و تعصب هنری و حس والای موسیقایی بود و صدای عجیبی که ماندندی نیافت. او یک بار در سالهای ۱۲۹۰، یک بار در سالهای ۱۳۱۰ (همراه برادران شهنازی) و چند بار در سالهای ۱۳۴۰ (همراه غلامحسین بیکجه خانی و

۸- ابوالقاسم عارف قزوینی (۱۳۱۱-۱۲۵۹)

قزوینی الاصل، خواننده، تصنیف ساز و شاعر بود. کلیاتی از هنرها را نزد اساتید قدیم فرا گرفت و در او ان جوانی به لطف صوت و قریحه موسیقی و شعر شناخته شد. عارف، مخترع تصنیف ملی با مضامین سیاسی و اجتماعی در زیباترین قالب های سنتی است که آثارش اجراهای گوناگون شده‌اند. دیوان او شامل شرح حال و اشعار و تصانیفش به کوشش سید هادی حائری (کوروش) به چاپ شده است.

۱۱- مشیر همایون شهردار (۱۳۴۸-۱۲۶۱)

با نام اصلی حبیب الله سپهسالاری، متولد تهران و از

خانواده اعیان بود. موسیقی را نزد محمد صادق خان سرورالملک فرا گرفت و از اوان جوانی به عنوان نوازنده موسیقی ایرانی روی پیانو شهرت داشت. در از کستر انجمن اخوت عضو بود و مشاغل آداری متعددی در امور موسیقی و غیر موسیقی داشت. در سالهای ۱۲۹۰، ۱۳۱۰، ۱۳۳۰، چند دوره صفحه و نوار از ساخته ها و نواخته های خود را ضبط کرد و در پانزده سال آخر عمر، مسئولیت اداره موسیقی رادیو تهران را به عهده داشت و در سیاستهای آنجا نقش به سزایی داشت.

#### ۱۲- سید حسین طاهرزاده (۱۳۶۰-۱۳۳۴)

خواننده ممتاز معاصر و شاخص اعلای مکتب آواز اصفهان است. در نوجوانی به تهران آمد و به طور غیر مستقیم از سید رحیم اصفهانی و سایر هنرمندان آن عهد استفاده کرد. در موسیقی خود آموخته بود و وجود قریحه عالی هنری خود را طی سالها عملاً انتخاب کرد. در سفر فرنگ برای ضبط صفحه همراه هنرمندان دیگر بود و صفحات زیادی از آواز دلنشین و بخته خود پر کرد. سبک عالی هنری او اکنون مورد تقلید و استفاده هنرجویان آواز است. ردیف او توسط نورعلی برومند همراه سه تار استاد در نوار ضبط شده و موجود است.

#### ۱۳- حسین خان اسماعیل زاده (۱۳۲۰-۱۲۴۰ حدود)

استاد مسلم کمانچه و همردیف اساتید بزرگی چون میرزا حسینقلی بود. موسیقی را از پدرش اسماعیل خان فرا گرفت و سالهای سال به تدریس ردیف موسیقی ایرانی و کمانچه و دیوان (البته به شیوه کمانچه نوازی را مشغول بود. او ردیف شناسی ماهر و نوازنده ای بی نظیر بوده است. از شاگردانش: رکن الدین مختاری، رضا محجوبی و ابوالحسن صبا و حسین یاحقی قابل ذکر هستند. از استاد صفحات گرامافون محتوی صدای ساز او باقی است ولی تعدادشان اندک است و نام او نیز روی صفحات نوشته نشده است.

#### ۱۴- مهدیقلی هدایت (۱۳۳۴-۱۲۲۶ حدود)

ملقب به مخیرالسلطنه فرزند مخیرالدوله، رجل سیاسی و مورخ و ادیب و نویسنده ای بود که به موسیقی علاقه فراوان داشته و نخستین کتاب نظری معاصر را به نام «مجمع الادوار» نوشته که بازنویسی نظریات قدما به اضافه برداشتهایی از موسیقی کلاسیک غربی است.

#### ۱۵- باقر خان رامشگر (۱۳۳۵-۱۲۶۰ حدود)

استاد مسلم کمانچه و هم نسل درویش خان و طاهرزاده بود. کمانچه را از موسی خان کاشی یاد گرفت و در جوانی صاحب مهارت و شهرت شد. به سفر فرنگ همراه هنرمندان برای ضبط رفت و آثاری از او به صورت تکنوازی و همنازی ضبط شد. او شاگردی نداشته است.

#### ۱۶- امیر جاهد (۱۳۵۶-۱۲۷۲)

محمد علی امیر جاهد در تهران متولد شد. ابتدا روزنامه نویس و مبارز سیاسی بود و سپس گرایش ادبی او غالب شد و منحصرأ به کار ادبی و نشر پرداخت. امیر جاهد آخرین تصنیف سازی است که شعر و آهنگ آثارش را خود گفت و در صفحات گرامافون با صدای ساز و آواز هنرمندان مشهور آن عصر ضبط کرد. نت آثارش در دو جلد دیوان او به نام خودش چاپ شده است.

#### ۱۷- علینقی وزیری (۱۳۵۸-۱۲۶۲)

چهره موسیقی نوین ایران و بنیانگذار جریانات تحول در آن است. او در تهران متولد شد و موسیقی را به خود پراکنده از اساتید ایرانی و فرنگی تعلیم گرفت ولی عملاً به خودآموزی پرداخت و در نواختن تار تبحر یافت. بعد از سالها خلعات نظامی و مبارزات سیاسی، خود را یکسره وقف موسیقی کرد و پنج سال در پاریس و برلین اصولی از موسیقی غرب را آموخت و در بازگشت به ایران سعی کرد موسیقی ایرانی را در هیأت تألیفی موسیقی کلاسیک غربی بیان کند. تأسیس مدرسه عالی موسیقی (۱۳۰۲) راه اندازی ارکستر مدرسه عالی موسیقی و کلوب موزیکال (۱۳۰۴)، تألیف کتابهایی برای آموزش تار و ویولون (۱۳۰۰-۱۳۱۶)، کنفرانس و سخنرانی، ضبط صفحات گرامافون (۱۳۰۷)، مدیریت مدرسه موزیک ارتش و هنرستان موسیقی و مدرسه موسیقی دولتی (۱۳۱۳-۱۳۰۶) و راه اندازی تئاتر و سینما و کنسرت از اقدامات او بود. همچنین تربیت شاگردانی چون روح الله خالقی و آشنا کردن موسیقیدانهای مکتب اساتید سنتی (صبا، موسی معروفی و ...) با خصوصیات موسیقی خود، گوشه ای مجاهدتهای وزیری در اشاعه موسیقی خود است. وی در سال ۱۳۱۳ مغموب دستگاه رضا شاه شد و کار موسیقی را رها کرد و در دانشگاه تهران به تدریس دروس دیگری مشغول شد. در سال ۱۳۲۰ دوباره ریاست امور موسیقی کشور به او محول شد که تا سال ۱۳۲۵ ادامه یافت. وزیری دیگر کار موسیقی را به طور

صاحب مقام یکتا در نوازندگی سه تار است. مقام هنری و شخصیت انسانی صبا و سخاوتش در تعلیم و معلومات گسترده ای که در بسیاری از زمینه ها داشت او را استادی بی رقیب موسیقی ایرانی معرفی می کرد. از هزاران شاگردان او، حسین تهرانی، حسن کسایی، غلامحسین بنان، علی تجویدی، مهدی خالدی، لطف الله مفخم پایان، حبیب الله بدیعی، فرامرز پایور و داریوش صفوت را می توان نام برد. آثار مکتوب او: سه جلد ردیف ویولون (به کوشش لطف الله مفخم پایان) چهار جلد ردیف سنتور (به کوشش محمد بهارلو، فرامرز پایور و داریوش صفوت) و یک جلد ردیف تار و سه تار (به کوشش همان افراد).

## ۲۰- روح الله خالقی (۱۳۴۴-۱۲۸۵)

چهره متشخص موسیقی مکتب نوین و از فعالترین موسیقیدانهای اهل فرهنگ در دوره معاصر است. مقدمات موسیقی سنتی را نزد شوهر عمه اش و نزد رضا محجوبی آموخت و در مدرسه موسیقی علینقی وزیری، راه آینده و مراد و محبوب خود را یافت. موسیقی ایرانی را در مکتب او آموخت و موسیقی غربی را از طریق اساتید خارجی و دروس مکاتبه ای و تمرین فراوان یاد گرفت. در تمام فعالیت های هنری و اجتماعی وزیری، همکاری و یاری فراوان داشت و در کنار موسیقی تحصیلات عالی خود را نیز گذراند. تخصص خالقی بیشتر در موسیقی نظری، مطالعات موسیقی شناسی و مهمتر از همه، آهنگسازی و رهبری بود. با همه گرفتاریهای زندگی اداری و اجتماعی، حجم آثار مکتوب و مصوت خالقی چشمگیر است. همچنین فعالیت های فراوان او از قبیل تدریس و تعلیم موسیقی، نوازندگی، آهنگسازی، تأسیس انجمن موسیقی ملی و ارکستر آن و تشکیل کنسرت و سرپرستی انجمن، راه اندازی نشریه «چنگ» همراه لطف الله مفخم پایان، تأسیس هنرستان موسیقی ملی و سرپرستی آن، کار فراوان در ادارات دولتی، رادیو (برنامه نویس، مجری، آهنگساز و رهبر و عضو شورا و ...) نوشتن مقالات بسیار، رایزنی فرهنگی در ایران و خارج، سردبیری مجله پیام نوین، نگارش کتابهایی در تاریخ موسیقی ایران و تئوری موسیقی و هماهنگی و منتهای آموزشی هنرستان برای ویولون و تار. سلیقه موسیقی خالقی در همان چهارچوب استادش وزیری است ولی از حس و حال «ایرانی» بیشتری برخوردار بوده و دارای لطف و نرمش و آرامش بیشتری است. آثار او را ارکستر گلها با صدای بنان و قوامی و دیگران همراه هنرمندانی چون جواد معروفی و مرتضی محجوبی اجرا کرده اند. خالقی فردی مسئول و منظم و پر مطالعه و صبور و وطن پرست بود.

از آثار مصوت: قطعه ها، آتودها، کارهای ارکستری. /

حرفه ای دنبال نکرد تا این که در سال ۱۳۴۴ با سمت استاد ممتاز از دانشگاه بازنشسته شد. او در سال ۱۳۵۳ بنیاد جوایز موسیقی ایران را برای دنبال کردن اهداف پنجاه سال پیش خود تأسیس کرد و آرزو داشت موسیقی ایران را در قالبی بین المللی ببیند. از وزیری آثار بسیاری به صورت تکنوازی و کارهای ارکستری و سازی و آوازی در صفحات گرامافون و نوار کاست به جا مانده و آثارش بارها اجرا شده است. از کتابهایش: دستور تار، دستور جدید تار و سه تار، دستور ویولون (۲ جلدی)، زیباشناسی (۲ جلدی)؛ نظری موسیقی (در سه جلد)، خواندنیهای کودکان (پنج جلد)، سرودهای مدارس (۲ جلد) را می توان نام برد. مجموعه مقالات پراکنده و مصاحبه های او با عنوان «موسیقی نامه وزیری» به کوشش و تنظیم سید علیرضا میرعلی نقی چاپ شده است. شاگردان حقیقی مکتب او، روح الله خالقی، روح انگیز، حسین سنجرى، احمد فروتن راد و حسینعلی ملاح هستند.

## ۱۸- موسی معروفی (۱۳۶۸-۱۳۴۴)

نوازنده پرتوان «تار» و از شاگردان برجسته مکتب درویش خان بود. در مدرسه عالی موسیقی و ارکستر آن با علینقی وزیری همکاری داشت و آثار دلنشینی از نوازندگی او در صفحات گرامافون برجا مانده است. معروفی مدرس تار در هنرستان موسیقی ملی بود و تمام عمر خود را وقف نوشتن ردیف موسیقی ملی ایران به خط نت کرد که در سال ۱۳۴۱ چاپ شد. تصانیف او مکرراً اجرا شده است. معروفی مردی متدین و با حقیقت و دارای منش هنری بود. ردیف او توسط سلیمان روح افزا نواخته شده و ضبط شده است. از شاگردانش، هوشنگ ظریف را می توان نام برد. مجموعه مقالات او با نام «موسیقی نامه معروفی» به کوشش سید علیرضا میرعلی نقی چاپ شده است.

## ۱۹- ابوالحسن صبا (۱۳۳۶-۱۲۸۱)

فرزند ابوالقاسم خان کمال السلطنه متولد تهران و از خاندان معروف صبا است. ابوالحسن صبا شاخص ترین و بارزترین چهره موسیقی معاصر ایران است که برآیند مکتب اساتید سنتی و مکتب وزیری محسوب می شود. موسیقی ایرانی و سازهای مختلف را نزد بهترین هنرمندان آموزش دید و در مدرسه موسیقی وزیری راه خود را یافت و به سمت سولیست ارکستر او انتخاب شد و همراه استاد در ضبط صفحات مدرسه شرکت کرد. از صبا صفحات گرامافون و نوارهای کاست حاوی آثار متنوع او برجا مانده است. او استاد صاحب سبک در بنیانگذاری مکتب ویولون ایرانی و

از آثار مکتوب: نظری به موسیقی (۱ جلد). سرگذشت موسیقی ایران (۲ جلد)، هماهنگی موسیقی (۱ جلد)، کتابهای هنرستان (۵ جلد) و ... مجموعه مقالات پراکنده او به کوشش سید علیرضا میرعلی نقی با عنوان «موسیقی نامه خالقی» زیر چاپ است.

#### ۲۱- مرتضی محجوبی (۱۳۴۴-۱۲۷۹)

متولد در خانواده‌ای موسیقیدوست بود و همراه برادرش رضا در کودکی به آموختن راهنمایی شد. او نزد محمود خان مفخم المالک پیانو آموخت و معلومات ردیفی خود را از حسن هنگ آفرین و حسین خان اسماعیل زاده یاد گرفت. کار بزرگ محجوبی، تطبیق امکانات پیانو برای اجرای اصیل و صحیح و خوشخوان موسیقی ایرانی با حفظ حال و هوای اصلی آن است و در این مورد، در چنان قله شامخی قرار دارد که هنوز هم بی رقیب می نماید. از مجموعه آثار فراوانی به صورت تکنوازی، همنازی و یا کار ارکستری در صفحات گرامافون و نوارهای کاست و برنامه های رادیو ضبط شده و همراه هنرمندانی چون ابوالحسن صبا، ادیب خوانساری و غلامحسین بنان است. از شاگردان او، منوچهر صانسی و آذرمیدخت رکنی قابل ذکر هستند. محجوبی ۲۲ تصنیف و رنگ او پیش درآمد ساخته و از لحاظ مقام آهنگسازی در فضای درویش خان و رکن الدین خان است. مجموعه آثار او و شرح کامل زندگیش در دست چاپ است.

#### ۲۲- علی اکبر شهنازی (۱۳۶۲-۱۲۷۶)

نوازنده پر قدرت تار و از عاملین انتقال میراث موسیقی سنتی به نسلهای بعد بود. موسیقی را از پدرش و همویش (میرزا حسینقلی و میرزا عبدالله) آموخت و از اوایل جوانی به استادی شهرت داشت. اولین صفحه خود را در سن ۱۴ سالگی همراه صدای جناب دماوندی پر کرد و از خود آثار بسیار در قالب صفحات گرامافون و نوار کاست برجا گذاشت. سالهای سال کلاس تعلیم موسیقی داشت و شاگردان خوبی از قبیل محمد حسن عذاری، رضا لطفی، هوشنگ ظریف، محمد رضا لطفی و داریوش پیرنیاکان پرورش داد. غیر از آثار پراکنده و تصانیف و رنگها و پیش درآمدها، دو روایت معتبر از ردیف تار نیز توسط او ضبط شده است: ردیف پدرش و ردیف خودش (با عنوان ردیف عالی تار).

#### ۲۳- مرتضی فی داود (۱۳۶۹-۱۲۷۹)

متولد تهران، شاگرد درویش خان و از بهترین دست پروردگان مکتب او بود. از جوانی شهرت یافت و همراهِ هنرمندان بزرگی چون قمرالملوک وزیری و مرتضی محجوبی صفحات زیادی پر کرد. سازنی داود جذاب و قوی و شیرین و استادانه بود. آهنگهای زیادی ساخته که بسیاری از آنها مشهور هستند. وی از سالهای ۱۳۲۰ کار موسیقی را رها کرد و دیگر فعالیتی در این زمینه نداشت و شاگردی هم ندارد. تنها در سال ۱۳۵۳ ردیف خود را برای رادیو ضبط کرد که تنها نسخه آن هنوز هم محفوظ است. فی داود به نجابت و شرافت هنری و قریحه ممتاز شهره بود.

#### ۲۴- حبیب سماعی (۱۳۲۵-۱۲۸۰)

تکنواز یگانه و بی همتای ستور و چهره منحصر به فرد این ساز در دوران بعد از اساتید عهد قاجار بود. موسیقی را از پدرش سماع حضور فرا گرفت و از سن خیلی کم به مهارت و تسلط شهرت داشت. او فعالیت زیادی در عرصه های رسمی موسیقی نداشت و در انزوای به سر می برد. پنج صفحه از نوازندگی او همراه آواز پروانه پر شده و تنها آثار بازمانده از او هستند (شور و شهناز، سه گاه، ماهور، بیات اصفهان و سماعی را به داشتن مهارت بی اندازه و احساس غیر قابل تصور و اصالت بیان ستوده اند و این خصوصیات را در بداهه نوازی او در شرایط زمان و مکان متجلی دیده اند. معدود آثار او به دست ابوالحسن صبا نت شده و چندین بار اجرا هم شده است. از معاصرین، مجید کیانی (استاد ستور و عضو هیئت علمی گروه موسیقی دانشگاه تهران) بیش از سی سال درباره تکنیک اجرایی حبیب سماعی تحقیق کرده و دو نوار حاوی آثار او را خود نواخته و انتشار داده است. شرح زندگی و آثار او نیز در کتابی به قلم خانم ارفع اطرابی چاپ شده است. از شاگردان محضر او نورعلی برومند، قباد ظفر و مهدی ناظمی قابل ذکر هستند.

#### ۲۵- نورعلی برومند (۱۳۵۵-۱۲۸۴)

ردیف شناس برجسته و استاد عالی مقام تار و سه تار در دوره معاصر است که انتقال میراث موسیقایی استاد دوره قاجار را عهده دار بوده است. او تار را نزد درویش خان و ستور را نزد حبیب سماعی و سه تار و تنبک و کمانچه و سایر سازها و فنون آوازی را طی سالهای سال ریاضت و کار نزد بهترین استادان آموخت و در این سالها ذهن او گنجینه ای سرشار از فنون اجرایی و معلومات نفیس موسیقی ایرانی شد. برومند جز دو دوره کوتاهی که تحصیل طب می کرد



باقی عمر خود را وقف موسیقی کرد. از سال ۱۳۴۴ در گروه موسیقی دانشگاه تهران ردیف درس می داد و از سال ۱۳۴۷ در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی به جوانان علاقمند تدریس می کرد. کار درخشان برومند، اجرا و ضبط ردیف میرزا عبدالله بر نوار بود که خود از اسماعیل قهرمانی آموخته و سالهای سال تمرین و ممارست کرده بود. این ردیف و نت آن که ژان دورینگ و داریوش طلایی نوشته اند، از اساسی ترین مراجع امروز برای مطالعه ردیف و تکنیکهای تار و سه تار نوازی است. ضبط آثار او به کوشش در ستایش مهدی کمالیان و فوزیه مجدالجم شد. برومند موسیقیدانی مسئول و فرهیخته و متخصص بود و خدمات او تأثیر با چون چرا بر موسیقی ایران گذاشت. او انتقال دهنده تکنیکهای تار نوازی و سه تار نوازی درویش خان به محمدرضا لطفی و داریوش طلایی و حسین علیزاده، سنتور نوازی حبیب سماعی به مجید کیانی، آواز خوانی طاهرزاده به شجریان و رضوی سروستانی بود. گنجینه اطلاعات شفاهی او در بیست سال آخر عمرش راهگشای بسیاری از محققانی شد که مرجع درستی برای شناخت واقعی موسیقی ایرانی در دست نداشتند. از برومند نوارهای خصوصی زیادی به یادگار مانده است.

#### ۲۸- سید جلال تاج اصفهانی (۱۳۶۰-۱۲۸۰)

فرزند شیخ اسماعیل تاج اصفهانی و شاگرد سید رحیم اصفهانی بوده است. تاج مظهر مکتب اصفهان و صاحب کرسی و مکتب و شاگردان بسیار بوده و به قدرت صدا و معلومات وسیع و مهارت در مناسب خوانی شهرت داشته است. از تاج اصفهانی صفحات گرامافون و نوارهای کاست بسیاری باقی است و از شاگردانش: شاه زیدی، افتخاری، شریف و مراتب را می توان نام برد. یادنامه او در سال ۱۳۶۰ به کوشش شادروان منوچهر قدسی منتشر شده است.

#### ۲۹- اسماعیل ادیب خوانساری (۱۳۶۱-۱۲۸۰)

شاگرد عنادلیب گلپایگانی بود و از مهم ترین خوانندگان نسل خود است. از او صفحات گرامافون و نوارهای رادیویی زیادی باقی است و ادیب مشهور به لطف و گرمی صدا و بیان عاطفی و احساس پاک است. شاگرد مشخصی نداشته و سبک او بر انحاء مختلف مورد تقلید قرار می گیرد.

#### ۳۰- قمرالملوک وزیری (۱۳۳۸-۱۲۸۴)

متولد قزوین و دست پرورده خوانهای زن در آن دیار بود. در جوانی به تهران آمد و با اساتید موسیقی دوستی یافت. در آواز مقلد سبک طاهرزاده و نزدیکترین کس به شیوه او بود و تعلیمات اساسی خود را از دوست و استادش مرتضی نی داود گرفت. یاد قمر ترکیبی از شخصیت بی مانند انسانی عاطفی و دردآشنا و هنرمند در اوج قدرت بیان و پاکی احساس است که نقش او را تا ابد از حافظه موسیقی معاصر محو نخواهد کرد. از قمر صفحات بسیاری محتوی آواز و تصنیف باقی مانده که عمده آنها با تار مرتضی داود و ویولون موسی نی داود است. او شاگردی نداشته است.

#### ۲۶- سعید هرمزی (۱۳۵۵-۱۲۷۲)

ابتدا تار می نواخت و شاگرد درویش خان و خلیفه اش مرتضی نی داود بود. سالها در انزوا نوازندگی می کرد و شغل موسیقی نداشت. در سالهای آخر عمر، سه تار را انتخاب کرد و شیرینی مکتب تار نوازی نی داود را به آن افزود. او به دعوت برومند در مرکز حفظ و اشاعه تدریس می کرد و محمدرضا لطفی از شاگردان اوست. هرمزی به اخلاق پاک هنرمندانه و تسلط بسیار در نوازندگی شفاف و پراحساس و گرم عاطفی شهرت دارد و ردیف او نیز به کوشش داریوش صفوت منتشر شده است.

#### ۳۱- رضا ظلی میرزا ظلی (۱۳۲۴-۱۲۸۴)

از خاندان اصیان قاجار و صاحب قریحه توانا بود. موسیقی را از برادرش و سپس اقبال آذر و عارف قزوینی فرا گرفت. از جوانی در مجامع هنری می خواند و به خاطر لطافت صدا و زیبایی بیان و احساس تأثیرگذارش در آواز مورد تحسین قرار گرفت. از ظلی فقط هشت صفحه باقی مانده که کمی قبل از ابتلاش به بیماری کشنده سل پر شده است. پیانوی مشیر همایون شهردار، ویولون ابوالحسن صبا و سه تار احمد عبادی در این صفحات صدای او را همراهی می کنند. ظلی نیز مانند قمر و ادیب و تاج مقلدان و پیروان

#### ۲۷- مهدی برکشلی (۱۳۶۶-۱۲۹۱)

موسیقی شناس، فیزیسین و محقق بود. موسیقی را در مدرسه دولتی به ریاست علینقی وزیری آموخت و ساز تخصصی او ویولون بود. شرح کارها و خدمات او کتاب مستقلی می خواهد. برکشلی نخستین کسی بود که با آزمایشات علمی آزمایشگاهی، فواصل گام موسیقی ایرانی و اندازه گیری و نسبتهای دقیق آن را ثبت کرد و از این راه به نگارش تئوری های مربوطه به آن یاری رسانید. از برکشلی کتابها و مقالات بسیاری درباره موسیقی و آکوستیک به زبانهای انگلیسی و فرانسه باقی مانده است.

بارها در نواز ضبط و نت آنها منتشر شده و مجموعه ردیف تنظیمی او برای پیانو در قالب نت و نوار کاست، انتشار یافته است.

### ۳۲- غلامحسین بنان (۱۳۶۴-۱۲۹۰)

متولد تهران و از خانواده‌ای اهل ذوق بود. آواز را نزد ناصر سیف و ضیاء الذاکرین فرا گرفت و راه خود را با آشنایی روح الله خالقی و علینقی وزیری یافت. بنان از سالهای ۱۳۲۰ در صحنه ظاهر شد و اوج او در کارهای رادیویی سالهای ۱۳۲۵-۱۳۳۰ همراه ارکستر گلها، خالقی، محجوبی، تهرانی، تجویدی و رهی معیری بود. از بنان صفحه و نوار به تعداد زیاد یادگار مانده است. او هم در خواندن آثار مکتب وزیری و خالقی تخصص داشت و هم در همنوایی با ساز محجوبی و صبا که گرایش قدیمی تری داشتند. سبک خواندن بنان با سایر خوانندگان هم نسل او متفاوت است و بیشتر به بیان روشن کلمات شعر و دکلاماسیون کلام و نرم خوانی و بم خوانی متکی است. از شاگردان او احمد ابراهیمی و کاوه دیلمی شهرت دارند.

### ۳۳- حسین قوامی (۱۳۶۹-۱۲۸۶)

ملقب به فاخته، متولد تهران و از خانواده‌ای مخالف با موسیقی برخاسته بود. ردیف را نزد عبدالله حجازی فرا گرفت و از سالهای ۱۳۲۰ در رادیو وارد شد. از قوامی نوارهای متعددی در رادیو همراه ساز و آواز سایر هنرمندان ضبط شده است. قوامی نیز تقریباً در همان حال و هوای بنان می خواند اما سادگی و بی پیراگی و پاکی بیان او از دیگران متمایز بود. او شاگردی نداشته است.

### ۳۴- جواد معروفی (۱۳۷۱-۱۲۹۱)

فرزند استاد موسی معروفی بود و نزد پدر تار آموخت. در مدرسه موسیقی علینقی وزیری تحصیل کرد و پیانو را ساز تخصصی خود قرار داد. بطور همزمان موسیقی ایرانی را از مشیر همایون شهردار و مرتضی محجوبی، و موسیقی اروپایی را از تاتیانا خاراطیان آموخت. او از سال ۱۳۱۰ تا آخر عمر در صحنه‌های مختلف، موسیقی نواخت. معروفی اولین کسی است که ایده‌های موسیقیایی علینقی وزیری را در راه بیان موسیقی ایرانی با پیانو و عوامل بیان موسیقی غربی دنبال کرد و تکنیک پیانویی او از همین فرضیه پی ریزی شده است. آثار معروفی پر تنوع و متعدد است و از تکنوازی تا تنظیم های ارکستری را در بر می گیرد. مجموعه قطعات مشهور او برای پیانو (کوکو، ژیللا، عاشورا، رومینا و ...)

### ۳۵- حسین تهرانی (۱۳۵۲-۱۲۹۰)

هنرمند برجسته مکتب نوین تنبک نوازی در موسیقی معاصر است. او در تهران متولد شد و در شرایط سخت و نامساعد موسیقی را آموخت و به تنبک علاقه بسیار یافت. نزد حسین خان اسماعیل زاده، آقا رضا خان روانبخش و مهدی غیائی هنرآموزی کرد و نزد ابوالحسن صبا هنر خود را به تکامل رساند. از سال ۱۳۲۰ رادیو به اجرا پرداخت و از سال ۱۳۲۸ در هنرستان موسیقی ملی، ارکسترهای مختلف، هنرستان آزاد و ... و ... تدریس کرد. شهرت تهران به خاطر تکنیکهای چشمگیر و توانایی فیزیکی او در این ساز و ابداعات او در این زمینه است. تشکیل ارکستر تنبک (با حسین دهلوی و جمعی دیگر) و ضبط صفحه و نوار همراه هنرمندان بسیار، از مرتضی محجوبی تا فرامرز پایور از جمله فعالیت‌های تهرانی است. شخصیت هنری تهرانی گذشته از سجایای انسانی، دارای جنبه‌های نفیسی از طنز و ظرافت و نکته دانی بود که خاص خود او بود.

### ۳۶- فرهاد دلشاد (۱۳۷۲-۱۳۲۴)

سازنده سازهای ایرانی و متخصص تعمیر انواع سازها و متولد در خانواده‌ای بود که تمام آنها اهل این حرفه بوده‌اند. مقدمات را نزد پدرش آموخت و در مدارس صنعتی کشورهای خارجی تحصیل کرد. سالهای سال در تهران مورد مراجعه اهل موسیقی بود و در شناخت سازها تبحر داشت.

### ۳۷- سید جواد چایچی اصفهانی (۱۳۷۲-۱۳۰۴)

در اصل سازنده اشیاء و دکورهای ظریف چوبی بود و در دهه‌های آخر زندگی، به سازسازی متوجه شد. کارهای او بیشتر از لحاظ ظرافت و خوش نقشی مورد توجه هستند و او اولین «ساز تراش» ایرانی است که کتابی ویژه او و طرز سازسازی او به نام «سه تار و ساز» وجود دارد.

### ۳۸- محمود هاشمی (۱۳۷۵-۱۳۲۳)

سازنده سه تار بود و در ساخت این ساز مهارت داشت.

او در کنار ساخت ساز به تحقیقات عملی نیز می پرداخت و سازهای نفیس خود را کاملتر می کرد.

(نایاب)، حافظ و موسیقی، منوچهری دامغانی و موسیقی (چاپهای متعدد)، پیوند شعر و موسیقی، شرح موسیقایی ۱۲۱ غزل حافظ و فرهنگ سازها منتشر شده و مجموعه مقالات و مصاحبه های او با عنوان «موسیقی نامه ملاح» گردآوری شده است.

#### ۳۹- احمد عبادی (۱۳۷۱-۱۲۸۰)

نوازنده بسیار مشهور سه تار و فرزند میرزا عبدالله. او موسیقی را نزد خواهرانش مولود و ملوک آموخت و در سالهای ۱۳۷۱-۱۳۰۰ به عنوان تکنواز بلا منازع سه تار شناخته شده بود. تکنیک نوازندگی او با تمام نوازندگان قدیمی متفاوت و خاص خود اوست. تأکید عبادی بر رنگ آمیزی های احساسی و فضا سازی در نوازندگی بود و در این راه مقلدان بسیاری داشته و دارد. از شاگردان او مهربانو توفیق و بهنام وادانی هستند. از عبادی جز نوارهای بسیار، آلبوم «کوک سه تار» نیز منتشر شده است.

#### ۴۰- سعید جواد بدیع زاده (۱۳۵۸-۱۲۸۱)

خواننده مشهوری که ذوق نوا سازی داشت. متولد تهران و فرزند بدیع المتکلمین بود که دروس اولیه موسیقی را او به فرزند خود یاد داد. بدیع زاده از سن ۲۳ سالگی به ضبط صفحه پرداخت و بیش از پنجاه سال در عرصه های مختلف موسیقی حضور داشت. آوازه ها و تصانیف او با ساز هتر مندانی چون عبدالحسین شهنازی، مرتضی محجوبی و مهدی خالدی ضبط شده و کلام اکثر آنها از نورالله همایون است. بدیع زاده، در خواندن ترانه های تغزلی و ترانه های کمدی-اجتماعی به یک اندازه مهارت داشت. داریوش رفیعی و هوشمند عقیلی از شاگردان او هستند.

#### ۴۱- حسینعلی ملاح (۱۳۷۱-۱۳۰۰)

موسیقی را از کودکی نزد ابوالحسن صبا، حسین یاحقی، احمد فروتن راد، دایی خود علیبنقی وزیری فرا گرفت. ساز تخصصی او ویولون بود و به سه تار هم آشنایی داشت. بعد از فارغ التحصیلی از هنرستان موسیقی، از سالهای ۱۳۲۰ به کار در رادیو پرداخت و در سالهای نوازندگی، نوا سازی، تدریس در هنرستان، سرپرستی ارکستر، مدیریت اداری و ... دست به نگارش مقالات و کتب مفید موسیقایی زد. ملاح از معدود پژوهشگران موسیقی ایران است که آثارش استفاده عام نیز دارد و دارای نثر فارسی استوار و صحیح است. از نوازندگان ملاح نوارهای متعددی یادگار مانده و از آثار او: تاریخ موسیقی نظامی ایران

#### ۴۲- سید تقی بیفش (۱۳۷۴-۱۳۰۰)

فرزند علیرضا خان رکن التولیه و بانو طلعت دفتری بود. تحصیلات ادبی و عربی داشت و سالها معلم فیزیک در دبیرستانهای مشهد مقدس بود. پژوهش او در موسیقی با نسخه شناسی شروع شد و او توفیق یافت نسخه خطی کتاب مقاصد الالحان اثر عبدالقادر مراغی را با تصحیح و حواشی مفید چاپ کند. ارزش کار بیفش در تصحیح و چاپ کتابهای مهم موسیقی ایران نظیر مقاصد الالحان (مراغی)، الادوار (صفی الدین ارموی) رساله موسیقی بنایی (همراه داریوش صفوت). سه رساله فارس در موسیقی و ... است. بیفش در دانشکده های متعدد و دایرة المعارفهای معتبر فارسی، مدرس و نویسنده متون مربوط به موسیقی قدیم ایران بود. غیر از آثار موسیقی، کتابهای دیگری در تاریخ و لغت و شعر از او منتشر شده است. از جمله: دیوان روزنی و کتاب المصادر. یادنامه او همراه مقالات منتشر نشده اش با عنوان «بیفش و موسیقی» به کوشش رضا مهدوی در انتشارات دانشگاه سوره چاپ شده است.

#### ۴۳- لطف الله مخم پایان (۱۳۶۲-۱۲۹۴)

نوازنده ویولون، کارشناس موسیقی، ناشر آثار موسیقی و از جمله فرهنگپایانی است که نقش غیر قابل انکار در اشاعه موسیقی داشته است. تحصیلات موسیقی را نزد استاد ابوالحسن صبا انجام داد و در تمام مراحل کار استاد صبا صمیمانه با او همکاری کرد. صبا و خالقی و وزیری و بسیاری از اساتید دیگر خدمات او را ستوده اند. شرح زندگی فرهنگی و خدمات او خود محتاج کتاب جداگانه ای است، پاره ای از آثار او عبارتست از: ردیف ویولون استاد ابوالحسن صبا (۳ جلد). دوازده تصنیف از دوازده آواز اثر دوازده استاد، بیست و پنج قطعه ضربی، هجده قطعه پیش درآمد از اساتید مختلف، آکورد شناسی و گامهای ایران اثر احمد فروتن راد، دوره مجله چنگ همراه روح الله خالقی و ... نیز کتاب بزرگ «ردیف موسیقی ایران تنظیم برای ویولون» برگرفته از ردیف میرزا حسینعلی، میرزا عبدالله و درویش خان. مجموعه تمام آثار موسیقایی او با آرایش جدید به کوشش سید علیرضا میرعلی نقی چاپ شده است.

#### ۴۴- حبیب‌الله بدیعی (۱۳۷۱-۱۳۱۴)

نوازنده ویولون و بهترین معرف مکتب صبا در ویولون بود. ابتدا نزد لطف‌الله منیع‌پایان و سپس استاد صبا، ویولون آموخت و از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۵۸ در رادیو تهران مسئولیت‌های متنوعی را عهده‌دار بود. آثار بسیاری از او به صورت تکنوازی، همراهی با ساز یا آواز، آثار ارکسترال و غیره منتشر شده است.

#### ۴۸- محمود کریمی (۱۳۶۳-۱۳۰۶)

معلم آواز بود و از خوشه‌چینان محضر استاد عبدالله دوامی. او به سبک خواندن طاهرزاده و جناب دماوندی توجه زیاد داشت و آنها را می‌پسندید. ولی خود به شیوه‌ای غیر از استادان قدیم خوانندگی می‌کرد. از کریمی یک آلبوم بزرگ حاوی بازخوانی ردیف‌های متوسط مرحوم عبدالله دوامی باقی مانده که نت آن توسط دکتر محمدتقی مسعودیه نوشته شده است. این ردیف آینه‌گویای قابلیت‌های اجرایی محمود کریمی است که سال‌های معلمی آواز و تدریس بر تنی چند از هنرمندان بعدی (پریسا، شاپور رحیمی و ...) را عهده‌دار بود.

#### ۴۵- رضا ورزنده (۱۳۵۵-۱۳۰۵)

نوازندگی را از پدر و اساتید گمنام آموخت و تحت تأثیر ساز حبیب‌سماعی از رادیو قرار گرفت. در جوانی به تهران آمد و به زودی در سلک نوازندگان رادیو قرار گرفت. آثار بسیاری از او در صورتهای مختلف موجود است که مهارت انحصاری او را در نوازندگی لطیف و پر قدرت نشان می‌دهد. ورزنده صاحب تکنیک سهل و ممتنع و حس ضرب شناسی قوی و گوش دقیق و سلیقه دلنشین در بدیبه‌پردازی بود. ساز او، بدیبه‌ای ویژه است که نظیرش را کمتر می‌توان یافت.

#### ۴۹- اصغر بهاری (۱۳۷۴-۱۲۸۴)

برجسته‌ترین نوازنده کمانچه سی سال گذشته و از اساتید گرانقدر معاصر بود. ساز را از پدر و دایی‌هایش فرا گرفت و از سال ۱۳۰۴ رسماً به کار موسیقی پرداخت. سالها ویولون نواخت و بعد مجدداً کمانچه را به دست گرفت. بهاری در ارکسترهای مختلف همکاری داشت و در مراکز متعددی تدریس کرد. نوازندگی او در چهارچوب تکنیک اصیل قدما و دارای نوابی خوش و حالی متعادل و احساسی گرم بود. بهاری تنها وارث موجود در نواختن کمانچه و انتقال‌دهنده فنون آن به امروزیان بود. از او نوارهای متعددی به یادگار مانده که همه مربوط به چهل سال آخر عمر او هستند. عمده آثار او به صورت تکنوازی است. بهاری نیز هنرمندی شریف و نیکو صفت از تبار قدمای شریف بود. از شاگردان او داود گنجی‌ای، علی اکبر شکارچی، هادی منتظری و مهدی آذرینا هستند.

#### ۴۶- مهدی خالدی (۱۳۶۹-۱۲۹۸)

نوازنده ویولون و شاگرد ابوالحسن صبا بود. او بعد از استادش کسی بود که در رادیو تهران ویولون نواخت. از خالدی صفحات و نوارهای زیادی به همراهی هنرمندان مشهور زمانه برجا مانده است. روش نوازندگی او و تصنیف‌سازی او مورد استقبال مردم زمان خود بود. مجموعه تصانیف او و شرح زندگی در کتابی با نام خودش، به کوشش حبیب‌الله نصیری فر به چاپ رسیده است.

#### ۴۷- غلامحسین بیگجه‌خانی (۱۳۶۶-۱۲۹۷)

برجسته‌ترین نوازنده شناخته شده نارسستی در مکتب تبریز است. وی فرزند حسینقلی خان تبریزی بود. و موسیقی را نزد رضاقلی خان زابلی فرا گرفت و از صفحات تار نوازان مشهور نیز استفاده عملی کرد. از او جوانی به نوازندگی اشتغال داشت و ضمن ارائه تکنوازی، با ارکسترهای مختلف نیز کار کرد. شهرت او در تهران با دعوت استاد نورعلی برومند از او آهاز شد و بیگجه‌خانی در طی اقامت متناوبش در تهران و تبریز، دوستداران را از صدای

#### ۵۰- یوسف فروتن (۱۳۵۷-۱۲۷۷)

شاگرد درویش خان در تار و سه تار بود و سایر سازها را هم خوب می‌نواخت. نوازنده‌ای قوی و پرمایه بود و از او ردیفی ضبط شده است.